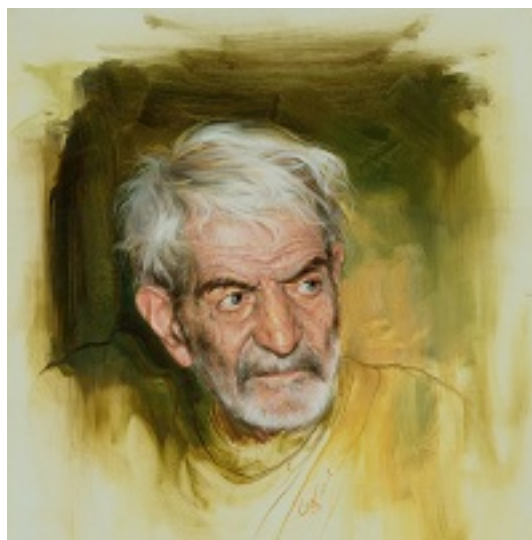


شعری زیبا از استاد شهریار



کسی نیست در این گوشه فراموشتر از من
 وز گوشه نشینان تو خاموشتر از من
 هر کس به خیالست هم آغوش و کسی نیست
 ای گل به خیال تو هم آغوشتر از من
 می‌نویسد از آن لعل شفقگون همه آقای
 اما که در این می‌کده غم نوشتن از من
 افتاده جهانی همه مدهوش تو لیکن
 افتاده‌تر از من نه و مدهوشتر از من
 بی ماه رخ تو شب من هست سیه‌پوش
 اما شب من هم نه سیه‌پوشتر از من
 گفتی تو نه گوشه که سخن گویمت از عشق
 ای نادره گفتار کجا گوشتر از من
 بیزتر از آتم که بچاهم کنی ای ترک
 خونم بفشان کینست سیاوشتر از من
 با لعل تو گفتم که علاج لب نوشی است
 بشکفت که یارب چه لبی نوشتن از من
 آخر چه گلایں است به از اشک من ای گل؟
 دیگی نه در این بادیه پرچوشتر از من

نویسنده: admin، تاریخ ارسال: شنبه 16 اسفند 1393 ساعت 11:30 بعد از ظهر